

چرا غرب در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ به توسعه‌ی ایران می‌اندیشید؟

۹ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۵۰

در این نوشتار، درصدد هستیم تا نشان دهیم که آیا توسعه‌ی اقتصادی ایران در زمان پهلوی براساس نیاز داخلی صورت گرفته بود یا اینکه پشت این مسئله، موضوع دیگری نهفته بود.

از دهه‌ی ۱۹۶۰ به‌عنوان دهه‌ی استقلال کشورهای جهان سوم و تحرک این کشورها برای رسیدن به توسعه یاد می‌شود. در این مقطع، برخی از این کشورها برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی به‌منظور کاهش وابستگی به غرب و حفظ استقلال ملی را در دستور کار قرار دادند. این مسئله باعث شد تا موجی از اعتراضات عمومی در جهان سوم، که دارای حکومت‌های وابسته به بلوک غرب بود، شکل بگیرد. علاوه بر این، در این زمان حکومت شوروی با ارائه‌ی تز راه رشد غیرسرمایه‌داری درصدد برآمده بود تا بسترهای جذب کشورهای جهان سوم را در درون بلوک خود فراهم کند.

این مسئله باعث شد تا آمریکا، که در زمان آیزنهاور تلاش کرده بود با نظامی‌سازی کشورهای جهان سوم و تقویت نیروهای سرکوب‌گر در آن‌ها تداوم سلطه‌ی خود را در این کشورها تضمین کند، با ارائه‌ی راهکارهایی در خصوص توسعه‌ی وابسته، زمینه‌های تداوم سلطه‌ی خود بر کشورهای جهان سوم را فراهم کند. در این نوشتار درصدد هستیم تا نشان دهیم که آیا توسعه‌ی اقتصادی ایران در زمان پهلوی براساس نیاز داخلی صورت گرفته بود یا اینکه پشت این مسئله موضوع دیگری نهفته بود.

آمریکا و توسعه‌ی جهان سوم

در دهه‌ی ۶۰ میلادی، از دیدگاه مقام‌های دولت آمریکایی، اتکای دولت آمریکا در دهه‌ی ۵۰ بر کمک امنیتی و عملیات پنهانی مانند کودتا، برای ایجاد دولت‌های دست‌نشانده در جهان سوم، نه تنها باعث تقویت نفوذ این کشور در جهان سوم نشده بود، بلکه این مسئله به دلیل نادیده گرفتن بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در جهان سوم، باعث شده بود تا مردم این کشورها به دلیل حمایت آمریکا از حکومت‌های ناکارا، از این کشور متنفر شوند. این مسئله باعث شده بود تا بسترهای گسترش ناصریسم، کشمکش جنوب خاوری، آسیا و ظهور کاسترو در جهان سوم فراهم شود. (۱)

همچنین این مسئله موجب شد تا دولت آمریکا از محققان دانشگاهی این کشور بخواهد با تحقیق و مطالعه در خصوص جهان سوم، درصدد ارائه‌ی راهکارهایی برای حل بحران‌های مختلف این کشورها در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برآیند.

راهکارهایی که البته تداوم سلطه‌ی این کشور بر جهان سوم را نیز تضمین کند.

در این راستا، از اندیشمندانی مانند والت و روستو (استاد گروه تاریخ اقتصاد در مؤسسه‌ی علم و صنعت ماساچوست پست) خواسته شد تا در این باره به ارائه‌ی راهکارهایی بپردازند. راهکاری که منجر به ارائه‌ی ترمراحل رشد اقتصادی چندمرحله‌ای در آن زمان گردید که در همه‌ی آنها، هدف نهایی غربی شدن عنوان شده بود. (۲)

یکی از اصول رفرم‌های او، اعطای حق رأی به زنان بود. با این حال، محققان عنوان می‌کنند که این اقدام فقط پوششی برای تأمین نیروی ارزان‌قیمت صنایع و خطوط تولیدی خریداری شده از غرب بود تا این واحدها بتوانند با نیروی ارزان‌قیمت‌تر به فعالیت بپردازند.

آمریکا و توسعه‌ی ایران

کندی رئیس‌جمهور آمریکا در اوایل دهه‌ی ۶۰ میلادی، یک کارگروه ویژه برای امور ایران ایجاد کرد که سرپرستی آن به عهده‌ی وزارت خارجه‌ی آمریکا بود. این کارگروه ویژه در ماه مه ۱۹۶۱، گزارشی تهیه کرد که در آن، ضمن ابراز نگرانی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران، عنوان شده بود که اگر در ایران اصلاحاتی صورت نگیرد، خطر کودتا یا انقلاب و پیوستن این کشور به بلوک شرق وجود دارد. (۳)

این مسئله باعث شد تا دولت کندی به محمدرضا پهلوی اعلام کند که پیش‌نیاز هرگونه کمک اقتصادی و نظامی و پرداخت وام از سوی دولت آمریکا، انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی است. این امر سبب شد تا شاه امینی را که مورد اعتماد آمریکا بود، به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب کند. با این حال، آمریکا بعد از انتخاب امینی و بروز برخی از ناآرامی‌ها در ایران، به این نتیجه رسید که در کنار اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، استفاده از نیروهای نظامی و سرکوب‌گر به‌منظور کنترل هرگونه ناآرامی در ایران ضروری است. بر این اساس، آمریکا با برکناری امینی و به دست گرفتن اصلاحات اقتصادی و اجتماعی توسط شاه، موافقت کرد. (۴)

کندی معتقد بود برای کنترل جهان سوم، استفاده از ابزارهای نظامی می‌باید با ایجاد تغییراتی در ساختار اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی مردم همراه شود. تأکید او بر انجام اصلاحات به‌منظور از میان برداشتن شرایط بالقوه‌ی قیام‌های مردمی و ارائه‌ی برنامه‌هایی چون اتحاد برای پیشرفت و سپاه صلح، ریشه در این دیدگاه داشت. از این رو، برگزاری همه‌پرسی ششم بهمن ۱۳۴۱ و تعقیب برنامه‌های اصلاحی از سوی شاه با استقبال آمریکا مواجه شد. کندی نخستین کسی بود که تصویب اصول شش‌گانه را به شاه تبریک گفت. (۵)

رفرم اقتصادی یا تداوم وابستگی

محمدرضا پهلوی بعد از انقلاب نمایشی شاه و مردم، شروع به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف کرد. به عنوان مثال، یکی از اصول رفرم‌های او، اعطای حق رأی به زنان و تشویق آن‌ها برای حضور در اجتماع بود. با این حال محققان عنوان می‌کنند که این اقدام فقط پوششی برای تأمین نیروی ارزان قیمت صنایع و خطوط تولیدی خریداری شده از غرب بود تا این واحدها بتوانند با نیروی ارزان قیمت تر به فعالیت بپردازند. همچنین تلاش برای تضعیف بنیان‌های خانواده و غربی شدن ایران، از دیگر هدف‌های شاه از اجرای این برنامه بوده است.

اصلاحات ارضی

تا قبل از اجرای اصلاحات ارضی، ایران تا اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ از نظر تولید محصولات کشاورزی، خودکفا بود. به طوری که عمده‌ی نیازهای کشور در داخل تولید می‌شد. با این حال، اصلاحات ارضی که به ظاهر با هدف زمین‌دار کردن کشاورزان صورت گرفته بود، باعث شد تا ایران در اوایل ۱۳۵۰ تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای واردکننده‌ی مواد غذایی تبدیل شود. به طوری که امنیت غذایی ایران به کشورهای غربی وابسته بود. در واقع کشورهای غربی و آمریکا با وابسته کردن امنیت غذایی ایران به خود، درصد بودند تا بسترهای لازم برای وابستگی طولانی مدت ایران به خود را حتی بعد از مرگ محمدرضا پهلوی، فراهم کنند.

حمایت‌هایی که دولت‌های غربی در این زمان از ایجاد صنایع مونتاژ در ایران می‌کردند، به علت این بود که آن‌ها در این دهه‌ها حرکت به سمت صنایع مبتنی بر دانش را آغاز کرده بودند و در برنامه‌ی بلندمدت، کنترل صنایع دانش محور و واگذاری صنایع مونتاژ متکی بر دانش غربی به جهان سوم را در دستور کار خود قرار داده بودند.

صنایع

در دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به ظاهر شاه توسعه‌ی صنایع را با محوریت سیاست جایگزینی واردات در دستور کار خود قرار داده بود تا از این طریق، ایران بتواند در تأمین برخی از نیازهای خود از واردات بی‌نیاز شود. با این حال، آنچه در عمل اتفاق افتاد، توسعه‌ی صنایع مونتاژ در کشور با تکیه بر واردات تکنولوژی‌های از رده خارج شده‌ی کشورهای غربی بود. مسئله‌ای که باعث شد نه تنها ایران از نظر فناوری وابسته به غرب شود، بلکه تداوم فعالیت‌های کارخانه‌های احداث شده نیز وابسته به تأمین قطعات یدکی از غرب شد.

علاوه بر این، حمایت‌هایی که دولت‌های غربی در این زمان از ایجاد صنایع مونتاژ در ایران می‌کردند، به علت این بود که آن‌ها در این دهه‌ها، حرکت به سمت صنایع مبتنی بر دانش را آغاز کرده بودند و در برنامه‌ی بلندمدت، کنترل صنایع دانش‌محور و واگذاری صنایع مونتاژ متکی بر دانش غربی به جهان سوم را در دستور کار خود قرار داده بودند. در این راستا، مقرر شده بود تا در صنایع دانش‌محور در غرب، که محور آینده‌ی جهان بود، تولید و صنایع مونتاژی که هزینه‌بر بود و حاشیه‌ی سود کمتری داشت، به صورت کنترل شده به جهان سوم واگذار شود. از این رو، اگر اقداماتی در راستای صنعتی شدن ایران در دوره‌ی پهلوی دوم صورت گرفت، در این چارچوب بود.

فرجام سخن

بررسی اصلاحات صورت گرفته در زمان پهلوی دوم در حوزه‌ی اقتصادی و اجتماعی، نشان می‌دهد که این اصلاحات بیشتر از اینکه برآمده از نیاز داخلی برای توسعه‌ی ایران باشد، با تحریک و حمایت آمریکا به منظور جلوگیری از ایجاد انقلاب و یا کودتا و پیوستن ایران به بلوک شرق صورت گرفته بود. از این رو، شاهد هستیم این نوع توسعه به جای اینکه به خودکفایی و رشد ایران بینجامد، به وابستگی بیشتر کشور به غرب منجر شد. ضمن اینکه به دلیل غیربومی بودن الگوی توسعه باعث شد تا بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در کشور در اواخر دوران پهلوی تشدید شود.

کاتوزیان در خصوص نتایج توسعه‌ی وابسته در زمان پهلوی می‌نویسد: «آنچه در ایران رخ داد، نه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی بود، بلکه شبه‌مدرنیسم وابسته بود. در اواخر دوران پهلوی، به دلیل توسعه‌ی ناهمگون، حمل‌ونقل شهری در همه‌جا خراب بود. وضع مسکونی جز برای وابستگان دولت و تجار وابسته، وحشتناک بود. اغلب شهرهای کوچک و بزرگ فاقد سیستم فاضلاب کارآمد بودند. خدمات درمانی و بهداشتی برای اغنیا بسیار گران و نامطمئن و برای فقرا گران و خطرناک.» (۷)

پی‌نوشت‌ها:

۱. آندره فونتن، تاریخ جنگ سرد، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۶، نشر نو، ص ۴۷۱.

۲. رابرت شولزینگر، دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم، ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹، ص ۴۶۰.

۳. هوشنگ مهدوی عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران پایان جنگ دوم جهانی تا سقوط رژیم پهلوی، تهران، انتشارات پیکان، ۱۳۶۸، ص ۱۶۲.

۴. جیمز ابیل، شیر و عقاب، ترجمه‌ی فروزنده برلیان، تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۱، ص ۲۰۷.

۵. وحید سینایی، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۹)، تهران، کویر، ۱۳۸۴، ص ۴۷۸.

۶. سیف‌اللهی، سیف‌الله، اقتصاد سیاسی ایران، پژوهشکده‌ی جامعه‌پژوهی و برنامه‌ریزی‌المیزان، تهران، ۱۳۷۴، ص ۸۵.

۷. کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۲، ص

منبع: برهان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۸۸۳۰/اندیشید-می-ایران-توسعه-۵۰-۴۰-دهه-غرب-چرا/>